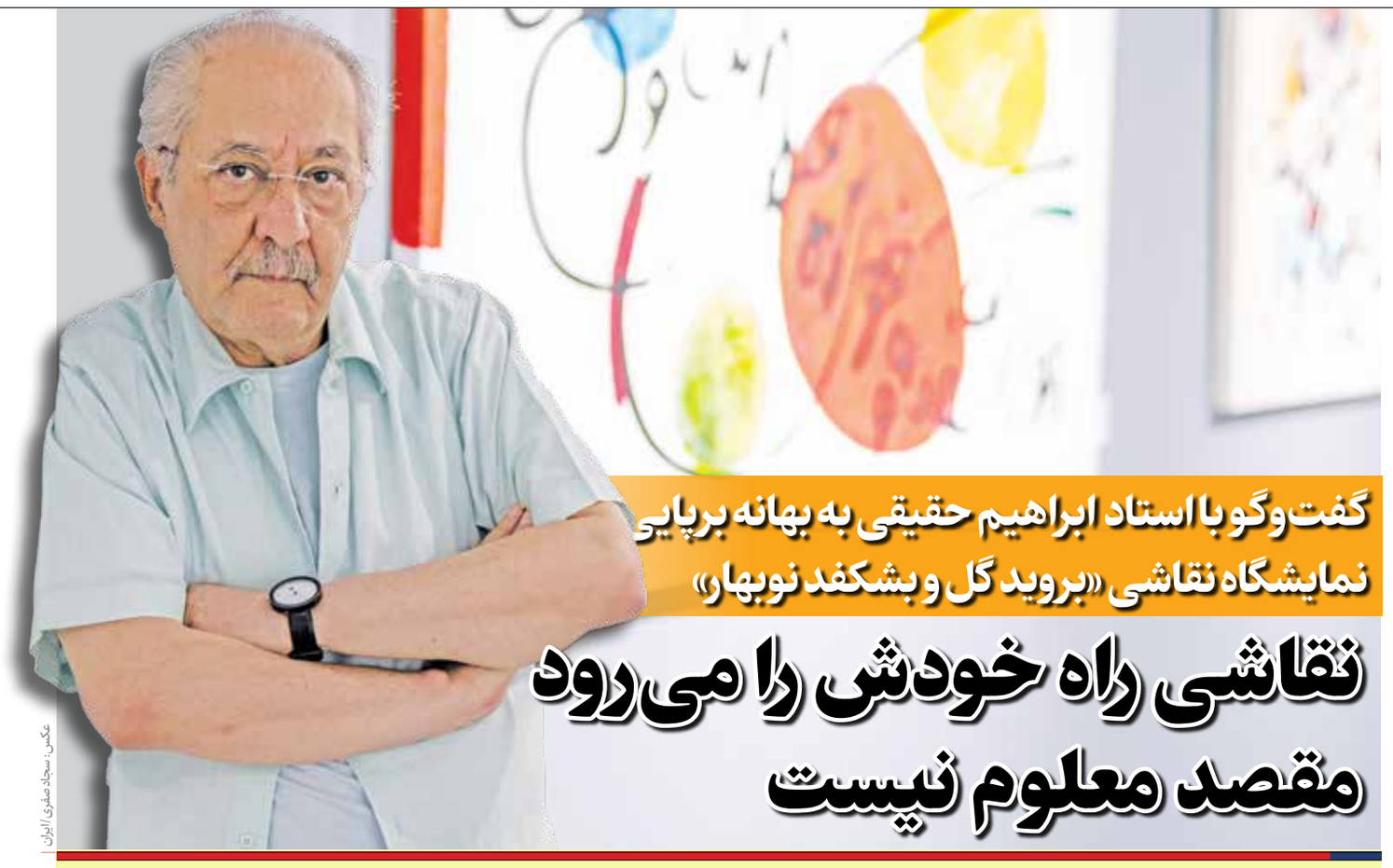


عکس: سجاد صفری/ایران

گفت‌وگو با استاد ابراهیم حقیقی به بهانه برپایی نمایشگاه نقاشی «برود گل و بشکفد نوبهار»

نقاشی راه خودش را می‌رود مقصد معلوم نیست

گفت‌وگو

سعیده احسانی‌راد / روزنامه‌نگار - ابراهیم حقیقی یکی از چهره‌های اثرگذار و چندوجهی هنر معاصر ایران است؛ هنرمندی که نه‌تنها در عرصه طراحی گرافیک خوش درخشیده، بلکه با نگاهی ژرف و تجربه‌گرایانه در حوزه‌های نقاشی خط، عکاسی و حتی سینما، ردپایی پررنگ از خود برجای گذاشته است. نگاه او به هنر، نگاهی ایستا یا محدود به یک رسانه نیست، بلکه همواره در حال کشف، ترکیب و بازتعریف مرزهای میان هنرهای تجسمی است. حقیقی فارغ‌التحصیل رشته معماری از دانشگاه تهران است، اما مسیر هنری‌اش تنها به یک حوزه محدود نمانده و از طراحی صحنه و تیتراژ فیلم‌ها تا تجربه‌های عمیق در نقاشی خط و عکاسی، تنوع و گستره نگاه او به هنر، نشان از ذهنی پویا و سیری ناپذیر دارد. ویژگی برجسته آثار او، نوعی نگاه ترکیبی و چندرسانه‌ای است؛ چنانکه گاه نمی‌توان میان یک نقاشی، یک اثر گرافیکی یا حتی یک ترکیب‌بندی عکاسانه در آثارش مرزی قائل شد. در سال‌های اخیر ابراهیم حقیقی بیش از پیش به جنبه‌های شخصی‌تر و شاعرانه‌تر هنر پرداخته است. آثار نقاشی خط او که ترکیبی است از سنت خوشنویسی ایرانی با بیانی مدرن و تجسمی، نمونه‌ای برجسته از این رویکرد است. به بهانه برپایی نمایشگاه نقاشی «برود گل و بشکفد نوبهار» ابراهیم حقیقی، گفت‌وگویی با او انجام شده است که می‌خوانید.

استاد حقیقی! در جایی گفتید نقاشی‌هایتان آبستره شده یعنی قالب و فضای فیگوراتیو گنجایش حمل فضای ذهنی متأخر شما را نداشته است که از شیوه آبستره بهره برده‌اید. بفرمایید شیوه بیان آبستره چه امکان ویژه‌ای را در مقایسه با بیان فیگوراتیو پیش پای شما گذاشته است؟

آثار قبلی را هم شاید نشود فیگوراتیو نام گذاشت، چون در تداوم خط نگاره‌ها بودند؛ نوشته‌هایی که در حقیقت خوانایی‌شان بیشتر بود. در این نمایشگاه سعی کردم آن خوانایی‌ها کمتر و آثار، آبستره‌تر و نقاشانه‌تر شود.

با توجه به اخبار و رویدادهای حال حاضر که حاکی از حوادث سخت و همراه با غم و اندوه است، در این نمایشگاه با به کارگیری رنگ‌ها، فرم‌ها، ضربه قلم و رنگ‌های گرمی که به خدمت گرفتید، فضای امید و روشنی را به مخاطب القا کردید که امیدآفرین باشد. چه اتفاقی می‌افتد که بیانتان در قالب آبستره و میوه‌های رنگی مثل هندوانه، سیب و انار نوعی رقص، سماع و شعف را در مخاطب ایجاد می‌کند؟

امیدوارم که مخاطب بعد از دیدن نمایشگاه روحیه‌اش شاد شده باشد.

در حقیقت قوت و صراحت نمایشگاه قبلی، راوی حس فضای موجود بود که تلخی آن به خاطر فضای تاریک و تلخ کارها بود. اما در این نمایشگاه برعکس رفتار کردم که این تجربه برآمده از نقاشی‌های پاستل دوران کرونا بود که اسمش را گذاشته بودم دلتنگی و تنهایی‌های نرفتن به طبیعت و غم از دست دادن عزیزان‌مان. متوجه شدم که باید برای نجات خودم و بیننده برعکس رفتار کنم، یعنی دوباره به طبیعت برگردم تا با عکس‌ها و نقاشی‌ها شاد شوند و به ذوق بیایند. از آن موقع بود که حس کردم در زمانه اندوه و تلخی بهتر است رفتار امیدبخشانه داشته باشم، هم برای نجات خودم که در خلوتم نقاشی می‌کشم و هم برای آنهایی که نقاشی‌ها را می‌بینند، بازخوردها همین بود. کسانی که آمدند، ابراز خوشحالی داشتند از اینکه در یک ضیافت رنگ شرکت کردند و حالشان بهتر شده است.

آیا این نقاشی‌ها ریشه در خاطرات کودکی‌تان دارد؛ تابستان‌ها و بهارهای رنگی را گذرانده‌اید که الان اصرار دارید مخاطب فضای ذهنی شما را بازخوانی کند یا نمایشگاه برای شما نوستالژی است؛ مخاطب را کجا دعوت می‌کنید تا با شما در فصل بهار و تابستان هندوانه بخورد؟

من وقتی نقاشی می‌کشم به مخاطب کاری ندارم چون او می‌تواند هر جایی که می‌خواهد، برود؛ تفاوت نقاشی و گرافیک در همین است. در گرافیک مقصد معلوم است، اما در نقاشی این‌طور نیست، آغاز می‌کنیم و جلو می‌رویم. وقتی کار آن‌طور که می‌خواهیم نمی‌شود، رنگ سفید می‌زنیم و از اول شروع کرده یا یک گوشه را پاک و رنگ را عوض می‌کنیم. نقاشی راه خودش را می‌رود، مقصد معلوم نیست. هر چقدر طول بکشد، اثر مشخص می‌کند کار کجا تمام می‌شود و اعلام می‌کند کافی است؛ کنارمی رود و کار بعدی شروع می‌شود. این نقاشی‌ها لزوماً در تابستان کار نشده‌اند حتی دقیقاً هندوانه‌ها را زمستان کشیدم. هیچ نوستالژی‌ای نبود، فقط حس رنگ بود و از رنگ آغاز شد.

خواب برای شما همیشه فرصتی است تا برای کارهای‌تان تصویرسازی کنید. در این نمایشگاه هم تحت تأثیر تصویرسازی در خواب بودید؟

هر کاری که می‌کنم همین‌طور است. وقتی کار بیرون تمام می‌شود و سر بر بالین می‌گذارم، در بیداری‌های نیمه‌شب فکر کردن آغاز می‌شود و مغز خستگی‌هایش ته‌نشین شده و غصه‌ها را تحمل کرده و در این زمان است که بیشتر می‌فهمم و می‌دانم که چه کار باید بکنم. طبیعتاً بخشی را ناخودآگاه به من می‌گوید و راه می‌برد و قسمتی هم به قصدی که باید انجام دهم تبدیل می‌شود.

از شما شنیده شده است که در نقاشی‌های‌تان بازیگوشی‌ای وجود دارد که خودتان کمتر متوجه آن می‌شوید. در این نمایشگاه چطور دست به بازیگوشی زدید؛ بازیگوشی‌ای که به نوعی کشف و شهود نقاش و هنرمند به حساب می‌آید؟

خصلت پرتاب‌های رنگ و جوهر بازیگوشی است و به جدی بودن رنگ اکرلیک نیست، چون اکرلیک باید کنترل شده باشد.

خوبی جوهر این است که وقتی در یک وسعت پهن می‌گذارمش و رنگ غیر از رنگ اولیه می‌زنم، تا خیس است و آبدار یک مسیری را رنگ دوم می‌رود که اصلاً تحت کنترل من نیست و شیرینی کار وقت کنترل کردنش است و همین‌طور برای رنگ سوم که کجا حفظش کنم و بگذارم برود و خشکش کنم که نرود، اینها همه‌اش بازی است.

برخی معتقدند هر کسی نقاشی‌های شما را ببیند متوجه می‌شود این نقاشی کار یک ایرانی است. شما در این نمایشگاه از همان سبک ترکیبی تصویر خوشنویسی ایرانی با بیانی مدرن پیروی کردید؟

به خاطر خط فارسی است، چون این خط نگاره‌ها جزو یافته‌هایم بود که در این نمایشگاه هم آن را ادامه دادم. خط فارسی یکی از زیباترین خط‌های جهان است که ظرفیت بصری بسیار زیادی دارد. ما پرشکوه‌ترین اشعار را در این زبان داریم که بیش از هزار سال است درکش می‌کنیم و می‌فهمیم. این زبان زنده و شکوفاست و از لحاظ بصری هم ظرفیت بالایی در نوشتار دارد.

با این نظر که آثار این نمایشگاه نوعی موسیقی تجسمی را ترسیم می‌کند، موافق هستید؟

من با این موافقم که هر کسی هر نظری دارد، می‌تواند ابراز کند.

به نظر شما آیا هنرمندان امروز بیشتر دنبال جلب توجه سفارش‌دهنده هستند و به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه توجهی ندارند و به همین خاطر است که سواد بصری مردم در بازدید از گالری‌ها تنزل کرده است؟

من در نقاشی به سفارش اعتقاد ندارم، مگر آنکه بخواهد کاربردی در یک معماری داشته باشد و تبدیل به یک فرسک دیواری شود یا مثل کاری که آقای احصایی برای دانشکده الهیات و همچنین برای سازمان ملل کردند. آن یک کاری است که با ابعاد خاصی به نقاش سفارش شده که آن را طراحی کند، ولی بازهم نزدیک به رفتار گرافیک است. من سفارش از جانب سفارش‌دهنده نقاشی را خیلی پذیرا نیستم.

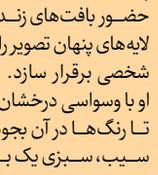
نمایشگاه نقاشی‌های ابراهیم حقیقی تا ۲۳ اردیبهشت‌ماه در گالری سهراب به نشانی خیابان سمیه، بین مفتح و رامسر، شماره ۱۴۲ برقرار است.



من وقتی نقاشی می‌کشم به مخاطب کاری ندارم چون او می‌تواند هر جایی که می‌خواهد، برود؛ تفاوت نقاشی و گرافیک در همین است. در گرافیک مقصد معلوم است، اما در نقاشی این‌طور نیست، آغاز می‌کنیم و جلو می‌رویم

یادداشت

شور رنگ و روشنایی در آثار حقیقی



حسین نوروزی
گرافیست

در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴، گالری سهراب تهران میزبان تازه‌ترین آثار ابراهیم حقیقی است؛ هنرمندی که هرچند سال‌ها در عرصه طراحی گرافیک شناخته شده، اما این‌بار با مجموعه‌ای از نقاشی‌های بی‌واسطه، گرم و انسانی ما را به تجربه‌ای تازه فرا می‌خواند.

نمایشگاه پیش‌رو، نه صرفاً تماشای چند اثر تصویری که ورود به جهانی آشنا و درعین‌حال رازآمیز است؛ جهانی که در آن شور و سکوت، نور و رنگ و شوریدگی و امید با هم آمیخته‌اند. نقاشی‌های حقیقی در این مجموعه، لبریز از رنگ‌های زنده و ناب‌اند؛ سرخ‌هایی که بوی سیب و هندوانه می‌دهند، سبزهایی که بهار را به خاطر می‌آورند و آبی‌هایی که عمق آسمان و خیال را در ذهن تداعی می‌کنند.

میوه‌ها، گاه در مرکز بوم، گاه در حاشیه، اما همواره با حضوری بی‌تکلف و معناگر، همچون استعاره‌هایی از زندگی، میل و امید در آثار او جا گرفته‌اند. رنگ در این آثار تنها ابزار نیست، جوهره بیان است؛ حامل انرژی، شور و روشنی.

در دل این جهان رنگین، سکوتی تأثیرگذار جاری است. نگاه حقیقی در این نقاشی‌ها نه تبلیغ‌گرانه است و نه نمایشی؛ بلکه نگاهی درونی، تأملی‌ست بر لایه‌های ناپیدای زیستن. چیدمان ساده اما پرجزئیات عناصر، ضربه‌های کنترل‌شده قلم‌مو و حضور بافت‌های زنده به بیننده اجازه می‌دهد تا لایه‌های پنهان تصویر را کشف کند و با آن ارتباطی شخصی برقرار سازد.

او با وسواسی درخشان، سطح بوم را آماده می‌کند تا رنگ‌ها در آن بجوشند و بتپند. قرمزی یک سیب، سبزی یک برگ یا زردی مایل به خاکی یک پوست هندوانه، در نگاه اول ممکن است ساده به‌نظر برسند، اما همگی حامل حس و عاطفه‌اند. این آثار نه تنها چشم را می‌نوازند، بلکه دل را نیز به بازی می‌گیرند. در هر نقاشی، نوعی «مواجهه» اتفاق می‌افتد؛ با طبیعت، با زندگی و با خودِ درون مخاطب. در برخی قاب‌ها، سکون میوه‌ها در میان فضای خالی، حسی از انتظار و تعلیق را منتقل می‌کند. در برخی دیگر تنش رنگ‌ها، چرخش قلم‌مو و حضورهای ناگهانی لکه‌های تیره یا روشن، ما را به دل شوریدگی می‌برند. این تضادهاست که آثار حقیقی را زنده و تنفس‌دار می‌کند. او نقاشی نمی‌کند تا تصویری زیبا بیافریند؛ بلکه می‌خواهد چیزی بگوید، حسی را منتقل کند و ذهنی را بیدار سازد. تماشای این آثار، تجربه‌ای است که تماشاگر را بی‌اختیار دگرگون می‌کند.

از گالری که بیرون می‌آییم، همه‌چیز همان است، اما چیزی در درون ما جابه‌جا شده. گویی این رنگ‌ها، این فرم‌های ساده لبریز از زندگی، نوری در ذهن ما روشن کرده‌اند؛ نوری که از جنس امید است، از جنس زیبایی و از جنس حضور. این نمایشگاه نه‌فقط مجموعه‌ای از تابلوها بلکه فضایی‌ست برای مکث، برای نگریستن دوباره به چیزهایی که ساده‌اند اما ژرف.

در روزگاری که سرعت، شتاب و تکرار ذهن‌ها را خسته کرده‌اند، مواجهه با این آثار فرصتی‌ست برای بازآفرینی نگاه؛ نگاهی تازه به اشیای معمولی به لحظات ساده به رنگ‌هایی که از نو جان گرفته‌اند. نمایشگاه اردیبهشت در گالری سهراب، فرصتی است تا بار دیگر، نه با تصویر هنرمندی شناخته‌شده، بلکه با انسانِ درون آثار او روبه‌رو شویم؛ انسانی که با رنگ و فرم، با جسارت و آرامش و با شور زندگی در جهان امروز حضور دارد. خیابان سمیه، گالری سهراب.

احیاگر معاصر شیوه نستعلیق صفوی

نگاهی به سبک خوشنویسی استاد محمد شهبازی

یادداشت

اللهیار خوشبختی- گرافیست و خوشنویس / استاد محمد شهبازی یکی از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار در عرصه خوشنویسی معاصر ایران است که این روزها نمایشگاهی از آثار او در موقوفات دکتر محمود افشار در حال برگزاری است. شهبازی با تلفیق اصالت‌های نستعلیق ایرانی و نوآوری‌های تکنیکی، توانسته است جایگاهی ممتاز در میان خوشنویسان معاصر بیابد و مسیر تازه‌ای در تداوم این هنر دیرینه بگشاید. او در طول سال‌ها تلاش کرده است تا با احیای شیوه‌های کهن خوشنویسی ایران، بویژه سبک میرعماد حسنی، زمینه‌ای برای ارتباط بین سنت‌های قدیمی و زیبایی‌شناسی معاصر فراهم کند.

تأثیر بر نسل نوین خوشنویسان

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فعالیت استاد محمد شهبازی، تأثیرگذاری او بر نسل نوین خوشنویسان است. شهبازی با تدریس اصول بنیادی خوشنویسی و تأکید بر ظرافت‌های ترکیب‌بندی و فواصل هندسی در خط نستعلیق، توجه خاصی به آموزش جوانان داشته است. او با برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی در داخل و خارج از ایران، بسیاری از هنرجویان را با مبانی صحیح این هنر آشنا کرده و به آنها آموخته است که چگونه می‌توانند هنر خوشنویسی را به شکل نوین و معاصر درآورند. وی در انجمن خوشنویسان ایران و سایر نهادهای هنری، در کنار تدریس، به هنرجویان خود مشاوره‌های فنی ارائه می‌دهد. شهبازی همواره تأکید دارد که برای حفظ اصالت نستعلیق، هنرمندان باید درک عمیقی از جزئیات ساختاری خط و تاریخچه آن داشته باشند. بسیاری از هنرجویان پس از گذراندن دوره‌های آموزشی او، به خوشنویسان معتبر تبدیل شده و آثارشان در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی به نمایش درآمده است.

احیای سبک میرعماد حسنی

میرعماد حسنی قزوینی به عنوان قله خوشنویسی نستعلیق شناخته می‌شود. این خوشنویس برجسته نه‌تنها از لحاظ تکنیکی در خوشنویسی بی‌نظیر بود، بلکه توانست زبان خوشنویسی ایرانی را به سطحی نوین و بسیار پرقدرت برساند. شیوه‌های نوین او در خط نستعلیق هنوز هم در آموزش‌ها و تمرین‌های خوشنویسی مدرن استفاده می‌شود.

شهبازی با آگاهی کامل از اهمیت میرعماد حسنی و آثارش، در پی احیای دقیق این شیوه در دوران معاصر برآمد. او با مطالعه و بررسی آثار میرعماد، توانست اجزای تکنیکی این سبک را در آثار خود احیا و به نسل جدید خوشنویسان منتقل کند. بویژه تأکید شهبازی بر حرکات قلم، ترکیب‌بندی خطوط و انسجام بصری در خطوط نستعلیق، بازتابی از شیوه‌های دقیق و پرمحتوای میرعماد است. این خوشنویس در آثار خود از ویژگی‌های منحصر به فرد شیوه میرعماد استفاده کرده است؛ بویژه در قسمت‌هایی از آثارش، حرکت آزاد قلم و استفاده از فضای خالی به طور خاص مشاهده می‌شود. این شیوه‌ها که در دوره صفویه به اوج خود رسیدند، به‌طور برجسته در آثار شهبازی نمایان هستند. وی بویژه در خطوط بزرگ و قطعات مذهبی خود، این شیوه‌ها را به بهترین شکل ممکن به کار برده است.

دستاوردهای هنری

آثار شهبازی تنها بازتابی از گذشته نیستند؛ بلکه تلاش‌هایی فعال برای بازآفرینی آن سبک در زمانه‌ای دیگرند. او در آثار خود همواره بر حفظ و ارتقای ظرافت‌های خط نستعلیق تأکید دارد. او در قطعات مذهبی خود، بویژه در نوشتن قرآن‌های نفیس، توانسته است به گونه‌ای خاص از میراث نستعلیق صفوی بهره ببرد. این آثار علاوه بر ارزش‌های هنری، از نظر معنوی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. از دیگر جنبه‌های برجسته آثار شهبازی، استفاده هوشمندانه از فضا و ترکیب‌بندی است.

او با دقت و توجه به جزئیات، توانسته است خطوط را به گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار دهد که نه‌تنها از نظر بصری جذاب باشند، بلکه از نظر مفهومی نیز پیامی عمیق و متأملانه را به مخاطب منتقل کنند. این ویژگی‌ها موجب شده که آثار شهبازی در نمایشگاه‌های بین‌المللی و داخلی مورد توجه و ستایش قرار گیرند.

حضور در مسابقات بین‌المللی و جایگاه جهانی او

از دیگر جنبه‌های مهم فعالیت استاد شهبازی، مشارکت فعال او در عرصه‌های بین‌المللی است. حضور او به عنوان داور رسمی در مسابقات بین‌المللی خوشنویسی ارسیکا (IRCICA) در استانبول، جایگاه بین‌المللی او را تثبیت کرده است. این رقابت‌ها که زیر نظر سازمان همکاری اسلامی (OIC) برگزار می‌شوند، یکی از معتبرترین عرصه‌های داوری خوشنویسی در دنیای اسلام محسوب می‌شود. در این مسابقات، این خوشنویس با دقت و دانش فنی بالا، آثار خوشنویسان از سراسر جهان را ارزیابی کرده و نظر خود را در مورد تکنیک‌ها، نوآوری‌ها و ارزش هنری آثار ارائه داده است. حضور شهبازی در این رقابت‌ها نه‌تنها موجب شناخت بیشتر هنر خوشنویسی ایرانی در سطح بین‌المللی شده، بلکه فرصت‌هایی را برای هنرمندان ایرانی فراهم کرده است تا بتوانند در عرصه‌های جهانی عرض اندام کنند.



شیوه‌های جهانی و تعامل با هنرمندان دیگر کشورها

شهبازی نه‌تنها در ایران، بلکه در کشورهای دیگر نیز به عنوان یک پیشگام در زمینه خوشنویسی شناخته می‌شود. او با شرکت در همایش‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی، تعاملات فرهنگی و هنری زیادی با هنرمندان خوشنویس دیگر کشورها داشته است. این تعاملات موجب آشنایی بیشتر هنرمندان کشورهای مختلف با هنر خوشنویسی ایرانی و بویژه سبک‌های دوره صفوی شده است.

دیدگاه جهانی این خوشنویس باعث شده است که هنر خوشنویسی ایرانی در سطح بین‌المللی شناخته شده و هنرمندان ایرانی از کشورهای مختلف دعوت به همکاری و مشارکت در پروژه‌های مشترک بین‌المللی شوند.

این هنرمند با نگاه به آینده، همچنان به گسترش و معرفی هنر خوشنویسی ایران در سطح جهانی ادامه می‌دهد و نسل‌های جدید را به ارتقای این هنر دعوت می‌کند.

شهبازی را باید احیاگر معاصر شیوه نستعلیق صفوی دانست؛ هنرمندی که با حفظ ریشه‌ها و میراث میرعماد، خوشنویسی را به عرصه امروز کشانده و افق‌های تازه‌ای را به نسل معاصر نشان داده است. فعالیت‌های علمی، آموزشی و هنری استاد شهبازی، نه‌تنها در ایران، بلکه در عرصه‌های بین‌المللی، موجب تثبیت جایگاه خوشنویسی ایرانی در دنیای امروز شده و بر اهمیت هنر خوشنویسی ایرانی در عرصه جهانی افزوده است. او با تأکید بر استمرار و نوآوری در هنر خوشنویسی، نشان داده است که هنر می‌تواند پیوندی مستحکم با تاریخ، فرهنگ و زیبایی‌شناسی معاصر داشته باشد.